

«کارآفرین نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی است»؛ این یک تعریف عمومی درباره کسانی است که به‌دنبال روّیاهایی می‌روند که از دید بسیاری دست‌نیافتنی است. اما این افراد با اعتقاد به اینکه هیچ چیز دست‌نیافتنی‌ای در جهان نیست آنها را به دست می‌آورند. همین جذابیت موضوع کارآفرینی، باعث شده تا اهالی هنر نیز به شیوه خود به سمت آن بروند و با تلاش برای ثبت و به تصویر کشیدن آنها به جامعه امید بدهند؛ موضوعی که این روزها جامعه ایران برای حرکت به‌سوی گذشتن از موانع اقتصادی و رسیدن به خودباوری به آن احتیاج دارد.
رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماسب دو هنرمندی هستند که با همین اعتقاد به سراغ ساخت سری فیلم‌های مستندی با نام «کارستان» رفتند. کارستان پروژه‌ای سینمایی– مستند است با ابعاد ملی که با مشارکت بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان و حضور مستندسازان شاخص در قالب ۱۷ فیلم مستقل از زندگی کارآفرینان موفق ایرانی بخش خصوصی تولید خواهد شد. این پروژه که خود یک کارآفرینی در حوزه سینمای مستند است با جذب حمایت‌های مردمی تهیه و تولید می‌شود. فیلم‌هایی که نه‌تنها برای مخاطب عام که برای برنامه‌ریزان و مدیران اقتصادی هم می‌تواند درس‌های خوبی از تلاش آدم‌هایی باشد که با سرمایه‌های اندک به حل مشکلاتی چون تولید شغل و پابین‌آوردن هزینه‌های آن کمک کردند.
رخشان بنی‌اعتماد که در کارنامه هنری‌اش فیلم‌هایی را ساخته



فرزانه ابراهیم‌زاده: مجتبی میرتهماسب که این روزها

به همراه رخشان بنی‌اعتماد برنامه‌ریزی و ساخت پروژه «کارستان» را به‌عنوان مهم‌ترین برنامه خود قرار داده است، درباره نقشی که سینمای مستند در جامعه دارد، می‌گوید: «سینمای مستند از جامعه تأثیر می‌گیرد و شبیه آینه عمل می‌کند. یعنی همان‌قدر که هر فرد نیاز دارد در هر روز خود را در آینه ببیند، جامعه هم نیاز دارد که خود را در آینه فیلم مستند ببیند». میرتهماسب البته نقش سینمای داستانی و اینکه هر سوزه خودش تعیین می‌کند که چه قالبی را می‌توان در نظر گرفت، رد نمی‌کند، با این همه معتقد است: «سینمای مستند – به‌خصوص در موضوعات اجتماعی– بی‌واسطه‌تر و صریح‌تر حرف‌هایش را می‌گوید. در سینمای داستانی، داستان واسطه است و مخاطب کمتر درگیر واقعیت و حقیقت موضوع می‌شود، اما در سینمای مستند چنین نیست و به‌خاطر نوع و ساختار آن، مخاطب درگیر تصاویر آشنا و واقعی می‌شود و این سیال‌بودن ماجرا است که تأثیرگذار است». شاید همین سیال‌بودن و درگیرکردن مخاطب است که باعث شد او و بنی‌اعتماد قالب مستند را برای ساخت مجموعه کارستان در نظر بگیرند. پروژه‌ای سینمایی– مستند با ابعاد ملی که با مشارکت بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان و همکاری مستندسازان شاخص در قالب ۱۷ فیلم مستقل از زندگی کارآفرینان موفق ایرانی که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند، با جذب حمایت‌های مردمی تهیه و تولید می‌شود. میرتهماسب و بنی‌اعتماد که بیش از دو سال است درگیر این پروژه شده‌اند، به همکاری قبلی‌شان در پروژه‌های مستند پیش از کارستان مانند «همه درختان من» و «یک ساعت از یک عمر» اشاره می‌کند و می‌گوید: «این شانس را داشتیم که چند سالی به همراه خانم بنی‌اعتماد درگیر پروژه‌های مشترک مختلفی باشیم. سه سال پیش ایشان از پروژه کارستانی صحبت کرد که شبیه همین موضوع کارستان بود، اما صرفا درباره زانای بود که در زمینه کسب و کار فعالیت می‌کردند. همین هم باعث آشنایی بیشتر و برای ارتباط ما با بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان شد». آن پروژه هرچند آغاز شد اما در میانه راه به دلایلی متوقف و پروژه کارستان با ابعاد گسترده‌تری مطرح شد. بر اساس توافق سازندگان کارستان، پروژه در دو فاز به مرحله اجرایی رسید. در فاز نخست پنج فیلم و در فاز دوم ۱۲ فیلم طراحی و آماده تولید شدند.

میرتهماسب هرچند از سرعت این مجموعه رضایت ندارد اما از قرارگرفتن فاز اول آن در مرحله تولید خبر می‌دهد و می‌گوید: «حالا بعد از دو سال، ساخت پنج فیلم به جریان افتاده که از این فیلم‌ها یک فیلم در مرحله تدوین است و یکی دیگر در مرحله فیلمبرداری قرار دارد. سه فیلم هم در مراحل آخر پژوهش و فیلم‌نامه هستند که ظرف چند ماه آینده تولید خواهند شد». او امیدوار است در دو ماه آینده بتوانند سرمایه ساخت ۱۲ فیلم دیگر را هم جذب کنند تا فاز دوم نیز در مرحله اجرایی قرار گیرد. موضوع ساخت پنج درباره زندگی کارآفرین‌ها در دنیا موضوع تازه‌ای نیست و هرساله چندین فیلم مستند و داستانی درباره زندگی آدم‌هایی ساخته می‌شود که به دنبال روّیاهایی



عکس‌ها: عیاش کوری، شریک

داستان آدم‌هایی باروِیاهای بزرگ

گشوده‌اند. او در گفت‌وگویی که برای آغاز این پروژه انجام داده بود، گفت: «روشن‌نبودن چشم‌اندازی برای آینده کاری در بین جوانان، ناامیدی و میل به رفتن از کشور، به

امید دستیابی به موقعیت‌های بهتر، مسئله جدی جوانان ماست. به‌تصویرکشیدن دیدگاه و تفکر و تجربه‌های بازارش کارآفرینان می‌تواند، منطری تازه از نگاه به زندگی و آینده و نقش افراد در توسعه ملی و پیشرفت کشور را ترسیم‌کند. باور دارم زندگی تک‌تک کارآفرینان الگویی مؤثر در به‌وجودآوردن امید در جامعه است».
مخاطبان اصلی کارستان جوانان هستند؛ جوانانی که تلاش می‌کنند از میان الگوهای موجود در جامعه راهی را برای آینده خود پیدا کنند. آدم‌هایی که قرار است زندگی‌شان در مقابل دوربین کارستان برود الگوهای مناسبی برای این جوانان هستند. کارستان براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده میان گروه اجرایی متشکل از رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماسب با بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان قرار است در دو فاز تهیه شود. فاز اول این مجموعه شامل پنج فیلم از زندگی پنج کارآفرین است. بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان سرپرستی گروه پژوهش این پروژه را برعهده دارد و میرتهماسب و بنی‌اعتماد قرار است فقط سرپرستی بخش اجرای این پروژه را برعهده داشته باشند و مستندسازان شناخته‌شده فیلم‌ها را بسازند؛ فیلم‌هایی که هرچند قرار است در قالب این پروژه باشد اما ادامه فیلم‌سازی هرکدام از آنها خواهد بود. کارستان روایت آدم‌هایی است که با دست خالی کارهای بزرگی را انجام داده‌اند؛ آدم‌هایی که تلاششان باعث شده چرخ اقتصادی جامعه بچرخد؛ پروژه‌ای که باید با نگاه ملی به آن نگریست و در آن سرمایه‌گذاری کرد.



این بنیاد دو‌گروه هدف مهم را در برنامه‌ریزی‌های خود در نظر گرفته است: «نوکارآفرینان و دانش‌آموزان». تلاش برای توانمندسازی دانش‌آموزان و کشف استعداد خلاقانه آنان یکی از برنامه‌هایی است که کارآفرین‌ها باشیم، شاید این جمله «فیروزه صابر» مسیر خوبی را برای ورود به آن باز می‌کند. امسال دهمین‌سالی است که فیروزه صابر به‌همراه تعدادی از کارآفرینان و علاقه‌مندان به موضوع کارآفرینی همت کردند و در بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان به‌دنبال توانمندسازی و حمایت از کسانی هستند که آن‌گونه کیه او می‌گوید ایده‌های خلاقیتی دارند و قرار است به صورت الگوهای نوکارآفرین در جامعه مطرح شوند؛ «کارآفرینان افرادی هستند که ایده‌های جدیدی را در شرایط پرابهام تبدیل به محصول می‌کنند و سرانجام با راه‌انداختن کسب‌وکار خود آثار عده‌ای را از جمله اشتغال در عرصه اجتماعی به‌جای می‌گذارند». بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان، در آغاز دهه دوم فعالیت خود با همراهی رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماسب تولید مجموعه فیلم‌های مستندی درباره کارآفرینان را با عنوان «کارستان» در برنامه کار خود قرار داده تا این الگوها را در جامعه معرفی کند. صابر معتقد است: «کارآفرینان کمک می‌کنند تا درآمد و ثروت از حالت انحصاری خارج و در جامعه توزیع شود. آنها کمک می‌کنند تا با رفاه اجتماعی بیشتر، طبقه متوسط رشد کند. با رشد طبقه متوسط، مسائل اولیه جامعه به‌تدریج مرتفع می‌شود و فرصت برای تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت خویش بیشتر فراهم می‌شود. این طبقه چون از نیازهای اولیه خود عبور کرده و به منابع تحصیل و اشتغال دسترسی بیشتری دارد، به‌مراتب جامع‌تر فکر می‌کند و جامعه را به سمت رشد و تعالی می‌برد. به‌عبارتی کارآفرینان در جوامع توسعه‌یافته به‌عنوان موتور محرک اقتصادی نقش ایفا می‌کنند».

تلاش برای توسعه فرهنگ کارآفرینی و ترویج تفکر متمرکز کنیم». او می‌گوید با آنکه این مجموعه را برای مخاطب عام می‌سازند اما فکر می‌کنند که مخاطبان اصلی‌شان جوانان و دانشجویانی هستند که به دنبال یک سری الگوها هستند تا از یاس و ناامیدی‌دوران گذ: «کارآفرینان کسانی هستند که می‌توانند چنین الگوهای مناسبی باشند. افرادی که در این مجموعه فیلمشان ساخته می‌شود، نمونه واقعی و قابل‌دسترسی انسان‌هایی هستند که «خواستن و شدن» را معنا کرده‌اند». میرتهماسب می‌گوید که از ابتدای پروژه با خانم بنی‌اعتماد این قرار را گذاشتند که خودشان هیچ‌کدام از فیلم‌ها را نسازند و فیلم‌سازان شاخص حوزه مستند را درگیر مجموعه کنند، فیلم‌سازی که در سینمای خود قرار است فیلم‌ها را بسازند: «بهترین و حرفه‌ای‌ترین مستندسازان کشور در کنار هم با این پروژه همراه می‌شوند و هرکدامشان با توجه به امکاناتی که کارستان در اختیارشان قرار می‌دهد، فیلمی خواهند ساخت که ادامه روند فیلم‌سازی و کارنامه حرف‌های خودشان است. قرار نیست ما به فیلم‌سازان بگوییم که چطور فیلم‌هایشان را بسازند؛ بلکه قرار است آنها به صورت مستقل فیلم‌هایشان را بسازند»

یک مفهوم

کتابخانه‌های روستایی به‌منابه فرصتی برای کار

برای گسترش خدمات فرهنگی روستاها و عشایر نیاز به انجام فعالیت‌ها و شیوه‌های پیچیده‌ای است؛ اتفاقی که به علت پراکندگی جمعیت روستایی و تفاوت سطح سواد همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. ازاین‌رو براری دریافت محصولات فرهنگی و اطلاعاتی از طریق نهادهای اطلاع‌رسانی، روستاها نیازمند کتابخانه‌های روستایی به‌عنوان نهادی آموزشی، فرهنگی و اجتماعی هستند و مسئولان‌شان نقش‌هایی فراتر از یک کتابدار باید داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که حتی فرصت‌های کارآموزی برای استفاده‌کنندگان از کتابخانه پیش بیاورند. به‌رحال این کتابخانه‌ها نقش بارزی در بهبود شرایط زندگی روستاییان ایفا می‌کنند. اطلاعات، بخش حیاتی و جدایی‌ناپذیر برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع قلمداد می‌شود. نبود اطلاعات در جوامع روستایی تا حدی در ضعف توانایی بخش روستایی دخیل بوده است. اطلاعات به‌عنوان یک منبع تصمیم‌گیری در امور اقتصادی، روزمره و اجتماعی برای یک فرد روستایی اهمیت دارد.

اطلاعات رایگان برای علاقه‌مندان

هنگامی که سایت‌های رسمی اطلاع‌رسانی و کتابداری را بررسی می‌کنیم و زمانی که به دنبال اطلاعات بیشتر درباره کتابخانه‌های روستایی و عشایری به صورت مستند هستیم یک نکته بیش از هرچیزی به چشم می‌خورد و آن به‌روزرسانی اطلاعات است؛ اینکه بتوان بیشتر درباره کتابخانه‌ها و وضعیتشان دانست و اینکه به آموزش مسئولان‌شان پرداخت. اتفاقی که اکنون در حال رخ دادن است و کتاب‌ها و جزوه‌ها و کارگاه‌هایی برای روستاییان و علاقه‌مندان گسترش کتابخوانی در حال تهیه است. در حال حاضر روی سایت‌های وزارت ارشاد اسلامی کتاب‌هایی برای راهنمایی در این زمینه قرار گرفته است که می‌تواند راهنمای آسانی برای علاقه‌مندان به فعالیت در این حوزه‌ها باشد.

نهاد اجتماعی

به‌رحال این نکته مهمی است که دسترسی سریع به اطلاعات در زمینه‌های کشاورزی و فناوری‌های جدید توسعه در امور مربوط به پزشکی و بهداشت و سایر امور فرهنگی و اجتماعی می‌تواند ضامن پایداری و بقای جوامع روستایی باشد. پیشرفت جوامع روستایی در قرن حاضر به این نکته اساسی بستگی دارد که آنها برای تأمین رفاه و سعادت خود چگونه با اطلاعات بومی و علمی و … برخورد می‌کنند و چگونه به ذخیره، سازماندهی و اشاعه اطلاعات می‌پردازند. کتابخانه‌های روستایی، قطع نظر از شکل و میزان امکانات آنها، یک نهاد اجتماعی و بخش جدایی‌ناپذیر سازمان اجتماعی روستا محسوب می‌شوند. در این راستا نقش و کارکرد اصلی این نهادها، تهیه، ذخیره، سازماندهی و اشاعه اطلاعات کتابخانه‌های روستایی، قطع نظر بومی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی براساس خواست و نیازهای واقعی روستاییان است.

آزاری که به‌رور نشده‌است

در سایت کتابداری آمده است تا سال ۱۳۷۹، حدود هزارو ۸۰۰ کتابخانه روستایی در کل کشور وجود داشته است. تعداد کتابخانه‌های روستایی بعد از انقلاب با فرازونشیب‌های بسیاری مواجه بوده است. در صورتی که سیر تشکیل و گسترش کتابخانه‌های روستایی را از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۹ مورد مطالعه قرار دهیم؛ می‌بینیم که برای مثال در سال‌های ۵۸ و ۵۹، و ۷۰ و ۷۶ این روند سیر صعودی داشته و در بعضی از سال‌های دیگر کند بوده است. البته در همین سایت پیشنهاد کتابخانه سیر داده شده است، به‌ویژه در مناطقی که عشایر زندگی می‌کنند.

به‌رحال به نظر می‌رسد اهمیت فراهم‌کردن شرایط بهتر تأمین سرمایه یک بسته اتایی از دهن به ساختارهای زیربنایی از گام‌هایی است که در این زمینه کم‌کم در حال برداشته‌شدن است. باید منتظر ماند و دید.

اتفاق

کتاب‌دوستی به‌شیوه‌ای دیگر

ایران کشور شگفتی‌ها و تناقض‌هاست؛ این را می‌دانیم و گاهی یادمان می‌رود؛ فکر می‌کنیم تهران کل ایران است و وقتی برای مسائل کوچک و بزرگش ایده‌های متعدد می‌دهیم، گاهی گوشه‌های دورش را فراموش می‌کنیم. اما عده‌ای هستند که کم‌کاری را جبران می‌کنند. همان‌ها که دوست دارند و فکر می‌کنند برای بهتر زندگی‌کردن دیگران باید تلاش کنند. همان‌هایی که برای گشودن پنجره دیگری، تلاش می‌کنند. همان‌هایی که به دنبال انصام کارهای بهتر برای دیگران هم هستند. هفته کتاب و کتاب‌خوانی که آمد، همه از کتاب می‌گویند و خب مسئولان هم بخشی از وظیفه‌شان انجام کار و برداشتن قدمی در این راه است. شناسایی روستاها و عشایر دوستدار کتاب هم بخشی از این کار است و البته شگفت‌آور است که بدانیم ایده‌های جدیدی هم هرسال مطرح می‌شود که اجرایی است و جواب می‌دهد و مردم را علاقه‌مند می‌کند. شاید همه اینها برای افزایش کارآفرینی هم باشد.

ازکوله‌بشتی تا نانوابی

شاید جالب باشد بدانیم که افراد از شیوه‌های مختلفی برای ترویج کتاب‌خوانی استفاده می‌کنند؛ مثلا طرح کوله‌بشتی کتاب (معضومه رمضانی) با طرح جیره کتاب (مانی شهرپور) که از تهران پیشنهاد داده‌اند. یک راننده تاکسی در قم یک ناوای در اراک در کنار فعالیت‌های روزمره‌شان به کتاب‌خوانی می‌پردازند.

ازمهد سالمندان تا ترشی خوری در کافه

در ایام عیدشورا و تاسوعا هم خبری آمد درباره اینکه نذر کتاب در اهواز برگزار شده است، این برنامه توسط کانون آموزش شهروندی برای توسعه یکی از گروه‌های مردمی شهر اهواز در نظر گرفته شده است که کارهای مهمی نظیر تجهیز کتابخانه‌های مناطق محروم خوزستان، برگزاری اردوهای ترویج کتاب و برگزاری نشست‌های نقد و ترویج کتاب انجام می‌دهد. اما یک اتفاق خوب برای فراموش‌نکردن سالمندان است. رنگین‌کمان سپید به کتاب و کتاب‌خوانی در میان سالمندان می‌پردازد؛ علاوه بر جلسات نقد کتاب به ارتباط با سایر نسل‌ها از طریق کتاب هم اقدام می‌کند. از آن طرف خانی می‌نام فرزانه اخوت که در لواسان کتاب‌فروشی هم دارد، تلاش مستمر و پیگیری برای کودکان و نوجوانان و ترویج کتاب‌خوانی در روستاها انجام می‌دهد. او با سفر داوطلبانه به روستاهای دورافتاده مرزی، کتابخانه‌های بسیاری را در این روستاها راه‌اندازی کرده است. او که عضو هیأت‌مدیره شورای کتاب کودک است و مسئولیت نویسندگی و ویراستاری فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان را برعهده دارد، از روزهایی گفت که برای پیوند کودکان ایران‌زمین با کتاب بار سفر بست و به مرزهای ایران سفر کرد. تأمین هزینه‌های این کتاب‌ها ابتدا از طریق نذوراتی که برای خرید کتاب کنار گذاشته بود، تأمین شد. گروهی در آبادان با نام نخلک، فعالیت خود را مختص دانش‌آموزان کرده و توانسته است حدود سه هزار نفر را همراه کند و دیدار با شاعران و نویسندگان مطرح را جزء کارهایش قرار داده است. طرح کافه کتاب‌ها در تهران آغاز شد اما خب در برهه‌ای از زمان با مشکلاتی روبه‌رو شد. شاید باورش کمی سخت باشد اما در سهندج، کافه‌کتاب ترنج، جزء جاذبه‌های توریستی شهر شده و علاوه بر زیبایی، بیش از هزار عنوان کتاب در زمینه‌های دینی، موسیقی، تئاتر، ادبیات، شعر و عکاسی دارد. در کنار همه این برنامه‌ها، با انواع نوشیدنی، دسر و مواد خوراکی خوشمزه می‌توان ساعاتی را سپری کرد. کوزن زرد اولین جایزه کتاب در ایران است که کتاب سال را از نظر پدرا و مادرا و بچه‌ها معرفی می‌کند. این گروه توانسته است یک شبکه از خانواده‌های علاقه‌مند را در فعالیت‌های خود شریک کند. مؤسسه مهر پروین فعالیت‌های خیریه اجتماعی در حوزه زنان را با محوریت کتاب و فرهنگ انجام می‌دهد. معرفی قصه‌های اقوام و ملل، معرفی شفاهی کتاب‌های جدید، ترویج کتاب‌خوانی برای کودکان از جمله برنامه‌های این مؤسسه است.

نیازی که دیده شده‌است

طبق نظر سایت‌های رسمی کتابداری، می‌توان دو وظیفه اصلی را برای کتابخانه‌های روستایی نام برد: یکی آموزش و دیگری سرگرمی. یک فرد آموزش‌دیده روستایی قادر است بیاموزد که چگونه آموزش ببیند و نیز چگونه یادگیری را به طور پیوسته و از طریق آموزش مادام‌العمر دنبال کند. در واقع به همین معیارهاست که نیاز به یک فرد علاقه‌مند به کتاب و ترویج آن، گام اول و حمایت دولتی نیز نیاز بعدی است. هرچند با توجه به اینکه مردم خود قدم در این راه گذاشته‌اند و دست بر هفا از سوی مسئولان هم هرچند ناچیز دیده شده‌اند، می‌توان امیدوار بود که گام‌های مثبّتی در این زمینه برداشته شود و اتفاقاً بتواند برخی توانایی‌ها را در این زمینه افزایش دهد. شاید در آینده این توجه گسترده‌تر نیز شود.

همین حوالی

وام کتاب، ایده‌ای شدنی؟

ابراهیم عمران

طرح خرید خودرو با اعطای تسهیلات بانکی و با بازپرداخت چندساله (حال جدا از سود بالا) می‌تواند قرینه خوبی باشد برای سایر نیازهای زندگی که از جمله این «باید»‌های زندگی می‌تواند خرید و مطالعه کتاب باشد. مطالعه‌ای که افسوسانه، همه یک‌قول هستند که به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند در سطح نام ایران و گذشته فرهنگی و غنای بالای عمومی‌اش باشد. حال چگونه می‌توان با تاسی از طرح وام گذاشته، به گردش کاری کتاب‌فروشان و کتاب‌خوانان رونقی اعطا کرد. اگر شمارگان کتاب را در فرض خوش «هزارو پانصد»، بگیریم و میانگین قیمت را هم «بیست هزار تومان»، قیمت نهایی هر چایی «سی میلیون تومان» می‌شود. حال اگر فقط برای همین یک کتاب چاپ‌شده بخواهیم وامی پرداخت کنیم، باید چه راهکاری عرضه کرد؟ یک راه آن اعلام عمومی وزارت ارشاد در حمایت از ناشر است که این مبلغ را پرداخت می‌کند و ناشر با خیال راحت مبادرت به نشر و با فراخوان عمومی درمورد کتاب چاپ‌شده و مشخص‌کردن کتاب‌فروشی‌هایی برای فروش، به خوانندگان مشتاق، در ازای خرید کتاب و بازپرداخت «مدت‌دار»، سروسی اعطا کند که سازوکار آن می‌تواند با روش‌هایی نهایی شود. راه دیگر شناسایی مشتریان دائمی توسط هر کتاب‌فروشی و دادن کارتی اعتباری به آنان است که راهکارهایی آن هم، آنچنان پیچیده نیست. البته روش‌ها و پیشنهاد فوق در صورتی قابلیت اجرا دارد که دلیل معضل کتاب‌خوانی را فقط «قیمت بالا» قلمداد کنیم و نه امور و شروط دیگر که جای بحثش در این نوشته کوتاه نیست. شاید پیشنهادی چنین، کمی رویاپردازانه و از سر خام‌خیالی باشد. ولی می‌توان قوام بیشتری بدان بخشید؛ اگر همتی در پس و پی آن باشد که امید است به چنین همتی؛ و تلاقی این نوشته با فراخوان جدی‌تر و جدی‌تر به رضای صاحبان و ناشر باشد…